



## تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۸	تاریخ	۱۴۰۰/۰۶/۳۰
عنوان ۱	مقدمات تصدیقیه بحث حجج و امارات				
عنوان ۲	مبحث ششم: تجری				
عنوان ۳	مطلب دوم قبح یا عدم قبح فعل متجری به				
عنوان ۴	مبانی موجود در بحث قبح عقلی فعل متجری به				
عنوان ۵	مبنای اول: مبنای مرحوم شیخ اعظم <small>رحمته الله</small>				

### مرور درس گذشته

بحث ما درباره حرمت شرعی فعل متجری به به پایان رسید و از مباحثی که مطرح کردیم روشن شد که دلیلی بر حرمت شرعی فعل متجری به وجود ندارد و در گذشته گفتیم که تجری، از حوزه حکم شرع خارج است و لذا اصلاً تعلق حکم شرعی حرمت به آن معقول نیست؛ علاوه بر آن به نصوص و روایات نیز اشاره کرده و ادله قائلین به حرمت تجری را نقض و رد کردیم و گفتیم روایات و اخبار نیز مؤید عدم عقاب بر فعل متجری به هستند.

ما در ابتدای بحث تجری گفتیم که در چهار مطلب بحث می‌کنیم؛ مطلب اول، حرمت یا عدم حرمت شرعی فعل متجری به بود که به پایان رسید. بحث امروز در مطلب دوم است؛ یعنی قبح یا عدم قبح عقلی فعل متجری به.

### مطلب دوم: قبح یا عدم قبح فعل متجری به

#### ثمره بحث

بعد از اینکه در مباحث قبلی اثبات کردیم که تجری در حوزه احکام شرعیه نیست یعنی نمی‌شود حکم شرعی حرمت به تجری تعلق بگیرد، لذا بر فرض اینکه قبح عقلی تجری اثبات شود، منجر به حکم شرعی نخواهد شد؛ لذا اثبات قبح عقلی تجری، ثمره شرعی نخواهد داشت؛ و در گذشته گفتیم قاعده ملازمه در اینجا جاری نیست به دلیل اینکه این حوزه، حوزه حکم شرع نیست؛ شرع نمی‌تواند در حوزه ماقبل التشریع و یا مابعد التشریع خودش دخالت کند؛ و احکام تجری، از احکام مابعد التشریع است؛ یعنی بعد از اینکه شارع حکم به حرمت دارد، اینجا گفته می‌شود که عقل به حرمت تجری نسبت به آن حکمی که صادر شده حکم می‌کند؛ بنابراین این مورد از احکام عقلیه متفرع بر حکم شرع است؛ لذا اصلاً از حوزه حکم شرع خارج است.

از سوی دیگر اگر کسی به ملاک دیگری غیر از آنچه ما گفتیم، حکم عقلی به قبیح تجری را نفی کرد - مثل مرحوم شیخ که قائل به عدم قبح عقلی تجری شد- این مبحث، مبحث منتجی نخواهد بود.

علاوه بر این، بر اساس آنچه در گذشته گفتیم روشن شد که تجری شرعاً حرام نیست؛ باز هم بحث حکم عقلی تجری بی ثمر خواهد بود؛ زیرا بر فرض اثبات عیب عقلی، ما نمی توانیم از این قبح عقلی، به قبح شرعی دست پیدا کنیم. یعنی به سه نکته، مبحث عقق عقلی تجری، ثمر عملی ندارد.

ممکن است که کسی ادعا کند که گرچه ثمره عملی ندارد؛ اما ثمره علمی دارد؛ به این معنا که در صورت پذیرش این نکته که تجری موجب عقاب شرعی نخواهد شد و حرمت شرعی ندارد، معلوم می شود که عدم عقاب بر تجری، تفصّلی از جانب خداست؛ نه اینکه از باب عدم استحقاق باشد.

اما ما با توجه به آنچه در گذشته گفتیم مبنی بر اینکه حوزه تجری، خارج از حوزه تشریع بوده و خارج از حوزه عقاب و ثواب مولا است؛ زیرا این حوزه، حوزه ای است که شارع نمی تواند ورود کند تا بخواهد استحقاق عقاب بیاید؛ زیرا بر مخالف مولا است که استحقاق عقاب بار می شود؛ لذا این حق الطاعة مولا، شامل تجری نمی شود و تجری خارج از حوزه اطاعت و معصیت است؛ لذا می گوییم چون چنین است، استحقاق عقابی اصلاً وجود ندارد تا اینکه گفته شود عدم العقاب، تفصّلی است.

البته این سخن، بر مبنای ماست و ممکن است کسی مبنای را نپذیرد.

### مبنای موجود در بحث قبح عقلی فعل متجری

در این مسأله سه مبنای عمده وجود دارد:

مبنای اول، مبنای شیخ اعظم انصاری رضوان الله تعالی علیه است که می فرماید نه قبح فعلی دارد و نه قبح فاعلی؛ بلکه تکویناً کاشف از خبث سریره عبد است و این ربطی به عقاب و ثواب و شرع ندارد. فعلش قبیح نیست به این علت که مرتکب معصیت شده نشده است و قبح فاعلی نیز ندارد و او را مذمت نمی کنند زیرا مذمت، بر ارتکاب فعل قبیح است و متجری، فعل قبیحی انجام نداده تا بر آن مذمت شود.

سوال یکی از شاگردان: تفاوت قبح فاعلی با خبث سریره چیست؟ آیا این دو یکی نیست؟

پاسخ استاد: باید دید اینکه می گوییم عقلاً قبیح است، به چه معناست؟ وقتی می گوییم قبیح است، یعنی عقل به استحقاق مذمت حکم می کند و وقتی می گوییم حسن است، یعنی عقلاً مستحق مدح می شود.

معنای قبح فعلی یعنی عقل درک می کند که خود این فعل، فعل مکروهی است که بر آن مذمت می شود؛ بدون توجه به اینکه فاعل آن کیست؛ به طوری که اگر این فعل را یک طفل یا مجنون انجام دهد نیز به آن فعل، فعل قبیح گویند؛ اما گاهی فاعل به خاطر این فعل مذمت نمی شود مثلاً در جایی که فاعل، از روی اختیار مرتکب آن فعل نشده باشد؛ اما اگر از روی اختیار مرتکب آن شده باشد، هم فعل قبیح است و هم فاعل، برای انجام آن فعل مذمت می شود؛ این به معنای قبح فاعلی است.

اما در اینجا (تجری) نه فعل قبیح است و نه اختیار فاعل نقشی در ارتکاب فعل دارد؛ زیرا فعل قبیحی مرتکب نشده، پس فعل قبیح را اختیاراً نیز مرتکب نشده است؛ به عبارت دیگر، فعل قبیح را نه اختیاراً مرتکب شده و نه عن

غیر اختیار. [توضیح آنکه:] نه عن غیر اختیاراً مرتکب فعل قبیح شده تا گفته شود که قبح فعلی دارد و نه اختیاراً مرتکب فعل قبیح شده تا گفته شود قبح فاعلی دارد؛ بلکه این فعلی که از او صادر شده، کشف از خبث سریره او می‌کند و خبث سریره از آن جهت که یک امر تکوینی است، آثار وضعی دارد؛ نه آثار شرعی؛ مثلاً فرض کنید که از آثار خبث سریره این باشد که سوء خلق برای او به وجود بیاورد و یا ضیق در رزق برای او به وجود بیاورد. در اینجا فعلی در کار نیست که بر فعل عقاب شود و یا مذمت شود؛ و چون قبح بر فعل نیست، فاعلی نیز وجود ندارد تا بخواهد قبح فاعلی داشته باشد؛ بلکه تنها در اینجا صفت قبیح در او وجود دارد. شیخ بعد از اینکه حرمت شرعی فعل متجری به را انکار کرده و استدلالات قائلین به حرمت شرعی فعل متجری به را رد می‌کند، قبح عقلی فعل متجری به را منکر می‌شود و چنین می‌فرماید:

«و من هنا يظهر الجواب عن قبح التجري؛ فإنه لكشف ما تجرى به عن خبث الفاعل، لا عن كون الفعل مبعوضاً للمولى.

و الحاصل: أنَّ الكلام في كون هذا الفعل - الغير المنهي عنه واقعا - مبعوضاً للمولى من حيث تعلق اعتقاد المكلف بكونه مبعوضاً، لا في أنَّ هذا الفعل - المنهي عنه باعتقاده ظاهراً - يُنبئ عن سوء سريرة العبد مع سيده و كونه في مقام الطغيان و المعصية؛ فإنَّ هذا غير منكر في المقام؛ لكن لا يجدي في كون الفعل محرماً شرعياً؛ لأنَّ استحقاق المذمة على ما كشف عنه الفعل، لا يوجب استحقاقه على نفس الفعل، و من المعلوم أنَّ الحكم العقلي باستحقاق الذمِّ إنّما يلزم استحقاق العقاب شرعاً إذا تعلق بالفعل، لا بالفاعل»؛<sup>۱</sup>

ایشان به قبح فاعلی اشاره نمی‌کنند؛ اما در ضمن، قبح فاعلی را نیز نفی می‌کند. مبنای دوم، مبنای میرزای نانی است؛ که بنا بر نقل، ایشان قائل به قبح فاعلی است. مبنای سوم، مبنای استاد شهید مرحوم آقای صدر است که ایشان می‌فرماید در اینجا قبح فعلی وجود دارد. ان شاء الله در بحث‌های آینده این مبانی را توضیح خواهیم داد.

و صلّى الله على محمد و آله الطاهرين